

## جایگاه اهداف تربیتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

### ماهان عطار

استادیار گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

#### چکیده

این مقاله متکفل بررسی جایگاه اهداف تربیتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با ابزار کتابخانه و رویکردی توصیفی است. عرصه تعلیم و تربیت و تربیت تمدنی از مهمترین زیر ساخت های تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه های مختلف است. تحقق آرمان های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملتها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسانهای عالم، متمدن، متقی و آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی تمدنی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعداد های بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید. تحقق همه ی این اهداف در گرو، تحقق سند تحول بنیادین می باشد. به همین دلایل، امروزه نهادهای آموزشی در اکثر کشورهای جهان با مسئله تدوین و اجرای برنامه های راهبردی تحول آفرین دست و پنجه نرم می کنند. از این رو همه مسئولان و دست اندرکاران نظام آموزش و پرورش بر آنند تا سندی پی ریزی کنند که بتواند آنان را هرچه بیشتر به هدف های نظام تعلیم و تربیت نزدیک کند. بنابراین در این پژوهش به بررسی بعدهای تربیتی و اهداف ارائه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخته شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که نتیجه فرآیند تربیت و تحقق شش ساحت تربیتی در سند تحول بنیادین، آماده شدن افراد جامعه برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد در مسیر قرب الی الله است که در واقع هدف کلی جریان تربیت را آمادگی متربیبان برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد برشمرد. از آنجا که انسان نقشی اساسی در شکل گیری هویت فردی و جمعی خویش و تشکیل جامعه صالح دارد، لذا لازم است که با درک موقعیت خویش و دیگران و با استناد به اعمال فردی و جمعی مبتنی بر نظام معیار اسلامی، در تحقق هدف کلی تربیت بکوشد.

**واژه های کلیدی:** اهداف تربیتی، آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین

## مقدمه

نظام آموزش و پرورش در کشور ما، از تقلید از نظامهای آموزش و پرورش غربی پدید آمده بود، با همان شکل، با همان محتوا، تقریباً با همان ترتیب؛ یک تحول اساسی لازم بود در فضای آموزش و پرورش؛ چه از لحاظ قالب، چه از لحاظ محتوا. خب، این فکر در خیلیها بود در طول سالها؛ بتدریج پخته شد، به سند تحول انجامید. عرض نمیکنیم که این سند تحول حدّ اعلای خواستهها است؛ نه، برای هر چیزی یک حدّ بالاتری هم متصور است... لکن فعلاً این سند تحول در اختیار ما است؛ این را باید جدّی گرفت. (بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور ۱۳۹۳/۰۲/۱۷). از همین رو، نظام تعلیم و تربیت کشور نیازمند تدوین یک الگوی جامع در زمینه ی ایجاد، تقویت و تحکیم فضایل اخلاقی است. چگونگی تدوین این الگو از نظر ساختار شکلی و محتوایی و اینکه بر کدام مبانی و مبادی مورد نظر سند تحول بنا شود، نیازمند دقت فراوان و یافتن اصول و روش نیک‌های تربیتی خاص خود است؛ این مفاهیم باید مبنی واقعیت درهم تنیده از نگرش‌ها، کنش‌ها و رفتارهای عالی انسان عصر حاضر در ساحت فردی و اجتماعی باشد (وست و آجودان: ۱۰۹۱، ۱۹) به نظر میرسد که برخی از فلاسفه و اندیشمندان تعلیم و تربیت، بدون داشتن الگویی خاص درباره فضیلت و ردیلت مباحثی را ارائه کرده‌اند که متأثر از نگاه هستی‌شناسی و تا حدی الهیات و مبانی انسان‌شناختی آنهاست (علم الهدی، ۱۳۸۴: ۴۳) بسیاری از مربیان مسیحی بهترین فضیلت را سعادت معرفی کرده اند (باقری، ۱۰۹۷: ۵۰) مربیان مسلمان، با تکیه بر قرآن و سنت، دین اسلام را دارای الگوی تمام‌عیاری درباره فضیلت دانسته اند. سازوکار کلیدی تحقق اهداف غایی در حوزه آموزش و پرورش، خط مشیهای عمومی آن حوزه هستند. از جمله چالش‌های نظام آموزش و پرورش، عدم اتقان مبانی نظری و از سوی دیگر، عدم انسجام کارکردی این خط مشی‌ها، می‌باشند (دانایی فرد و تراب زاده جهرمی، ۱۳۹۶: ۲۹) در نظام آموزشی، تحولات و اصلاحات به صورت پیوسته انجام میگیرد. خصوصاً در شرایط موجود ایران و جهان، اقدامات در زمینه تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش کشور ضروری و اجتناب‌ناپذیر است که باید سریعتر دست به این اقدامات زد. چشم‌پوشی از این امور تربیت و تولید سرمایه انسانی و اجتماعی را با آسیب‌های جدی روبرو می‌سازد و همچنین امر تربیتی جوانان را که باید هم طراز با جمهوری اسلامی ایران قرار گیرند با خطر مواجه می‌کند (سینک، ۱۳۷۶: ۱۶) با تأکیدات فراوان از سوی مسئولین عالی مرتبه نظام جمهوری اسلامی ایران خصوصاً مقام معظم رهبری و با تلاشهای بسیاری که فلسفه تعلیم و تربیت عمومی در جمهوری اسلامی در جهت ارائه طرحی راهبردی و ایجاد تحول در ساختار نظام تعلیم و تربیتی صورت گرفت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تدوین شد (مرزوقی، عقیلی، مهرورز، ۱۳۹۴: ۷۷) در تدوین سند تحول از اسناد بالادستی و ارزشهای بنیادین آنها الهام گرفته شده است و اهداف تعلیم و تربیتی این سند در افق ۱۴۰۴ می‌باشد (رئوف، ۱۳۹۸، ۶۱) اهمیت تحولات بنیادین در امر خط مشی‌های آموزشی کشور را می‌توان از تأکیدات فراوانی که مقام رهبری جهت تدوین این سند و نیز وظایفی که نخبگان فکری کشور در تمامی حوزه‌ها از جمله دانشگاهها برای مدیریت این تحول ریشه‌ای بر عهده گرفته‌اند دانست (مهرعلی زاده، همکاران، ۱۳۹۶: ۲۳۰) سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۷ با اهدافی از قبیل حل مشکلات و مسائل نظام آموزشی کشور توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی که از آن می‌توان به عنوان عالی‌ترین مرجع سیاستگذاری فرهنگی کشور نام برد به تصویب رسید و جهت اجرایی شدن به آموزش و پرورش ابلاغ گشت (آزاد، ۱۳۹۲: ۴۹) سند تحول، تعیین‌کننده مسیر و راهنمای حرکت سیستم آموزش و پرورش کشور است. کارایی این سند باید به گونه‌ای باشد تا بتواند راه ورود و نفوذ مواردی مثل سند ۲۰۳۰ را در آموزش و پرورش کشور سد نماید. درواقع این سند باید با ورود تفکرات مغایر با ارزشها و اخلاق و هنجارهای جامعه در بخش آموزش و پرورش کشور مقابله کند

### اهمیت و ضرورت بومی سازی برنامه ها علوم تربیتی

انسان موجودی سرکش است که برای تداوم حیات بشری خود نیازمند راهنمایی و تربیت است. خصوصیات جسمی، غرایز و هوس های انسان باید تحت کنترل و نظارت باشد، زیرا در غیر این صورت به سمت نابودی پیش می رود. انسان موجودی آزاد است و آزادی او را موظف می کند که بر طبع سرکش خود فایق آید. بنابراین برای شناخت جهان و انجام اعمال صحیح، منطقی و انسانی لازم است که بر قوا و غرایز حیوانی خود غلبه کند و آن ها را به اطاعت وا دارد. پس تربیت از مهم ترین دغدغه های بشری است که ریشه در هزاران نسل پیش دارد و آثار آن در نسل های بعدی به طور متوالی ادامه می یابد. بدین ترتیب جوامع مختلف بر اساس فلسفه، فرهنگ و انتظارات خود اهداف مختلفی را برای تربیت مطرح می کنند. در این راستا صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت جوامع مختلف اهداف متفاوتی را برای این امر ذکر کرده اند و این موضوع، اگرچه ارائه توصیفی مشخص از اهداف تربیت را دشوار ساخته است، بیانگر اهمیت توجه به آن می باشد. در واقع بدون وجود هدف، فعالیت های انسان فاقد معناست و این امر در تربیت وجهه ای خاص تر می یابد.

### ۱- مفاهیم

#### ۱-۱- مفهوم تربیت و حیات طیبه در سند تحول

در ابتدای سند تحول آیه ۹۷ سوره نحل ذکر شده و همین آیه به عنوان استناد این سند در مورد حیات طیبه مورد استفاده قرار گرفته است.

آیه ۹۷ سوره نحل تاکید دارد:

" مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ " هرکس از مرد و زن کار نیکی انجام دهد و مومن باشد ما او را با زندگانی نیکو زنده گردانیم و پاداش شان را بهتر از آنچه عمل می کرده اند می دهیم.

در آیه فوق از جانب خداوند به مومنان زن و مرد که عمل صالح انجام می دهند وعده زنده شدن با زندگی نیکو داده شده است. این وعده ای است که به مومنان داده شده است و ارتباط آن با نظام آموزش و پرورش مشخص نیست. سند تحول در بخش تعریف تربیت؛ " حیات طیبه را هدف اساسی تربیت اعلام می کند و تربیت را به عنوان فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان، به صورتی یک پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در ابعاد آن تعریف می کند ". انسان ها برای تحقق زندگی سعادت مند و همراه آسایش و آرامش و به دور از عوامل آسیب زا به طور کلی برای رسیدن به حیات طیبه به طراحی نهادهای گوناگونی متوسل می شوند که هر یک از آن ها پایه ی لازم را از بنای اجتماع انسانی تشکیل می دهند، اما نقش تربیت در دستیابی آگاهانه و آزادانه انسان به هستی متعالی و جاودانه ونیل به حیات طیبه بسیار مهم و اساسی می باشد.

در بخش فلسفه تربیت رسمی نظام جمهوری اسلامی؛ " حیات طیبه را وضع مطلوب زندگی بشر براساس نظام معیار ربوبی میدانند که با انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری این نظام معیار در همین زندگی دنیایی و در جهت تعالی آن از سوی خداوند به انسان اعطا می شود و تحقق آن باعث دست یابی به غایت اصیل زندگی انسان، یعنی قرب الی الله خواهد شد " سپس حیات طیبه را یک مفهوم یکپارچه و کلی برمی شمرد که همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان را در بر می گیرد و شئون گوناگونی دارد. حیات طیبه، وضع مطلوب زندگی انسانی در همه ی ابعاد و مراتب و مفهومی یکپارچه ولی و دارای دو بعد فردی

و اجتماعی است. یکی از ویژگی‌های مهم حیات طیبه، توازن و اعتدال در ابعاد مختلف هست طوری که فرد علاوه بر شکوفایی فطرت الهی به رشد همه‌جانبه استعدادهای طبیعی و تنظیم متعادل عواطف و تمایل خود بر مبنای نظام معیار اسلامی و به دور از هرگونه افراط و تفریط می‌پردازد.

بنابراین می‌توان تعریف جامعی از تربیت ارائه نمود:

تربیت عبارت است از فرآیند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان، به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به‌منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه‌ی ابعاد. تربیت انسانی مومن و متخلق به اخلاق اسلامی، پرسشگر و فکور، خلاق و کارآفرین، سالم و با نشاط، انتخاب‌گر و آزاد منش، قانون‌گرا و نظم‌پذیر، عدالت‌خواه و صلح‌جو، وطن‌دوست، استقلال‌طلب و ظلم‌ستیز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، خودباور و مقتصد، امیدوار و منتظر، دانا و توانا، شجاع و ایثارگر، پاکدامن و باحیاء، مسئولیت‌پذیر و وظیفه‌شناس (شایستگی‌های پایه در ساحت‌های شش‌گانه تربیت) و آماده‌ی ورود به انواع تربیت تخصصی و شغلی برای زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی براساس نظام معیار اسلامی (خانیک، ۱۳۹۸: ۹۰)

### ۱-۲- مفهوم شناسی تحول

تحول، یک فرآیند تغییر است، شامل تغییر فرهنگ سازمانی به سوی فرهنگی که در آن فرآیندهای گروهی و جمعی نهادینه شده‌اند (عسگری، ۱۳۹۷: ۲۳۰) از صاحب‌نظرانی است که تعاریف جدیدی از تحول در دهه ۸۰ ارائه داده‌اند. او می‌نویسد: اهداف تحول عبارت‌اند از: افزایش سازگاری بین ساختار، فرایندها و استراتژیها، افراد و فرهنگ سازمان و ایجاد و توسعه راه حل‌های نو و خلاقانه در سازمان و توسعه توانایی نوسازی خویشتن در سازمان (محمدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۶) واژه تغییر و واژه تحول هرچند به تغییرات درونی و بیرونی در سازمان اشاره دارد اما بیشتر برنامه‌های تغییر از بالا به پایین را به ذهن متبادر می‌کند. ریچارد بکهارد به عنوان یکی از پیشروان عرصه تغییر سازمانی می‌گوید: مردم در برابر تغییر مقاومت نمی‌کنند بلکه در مقابل اعمال تغییر مقاومت می‌کنند. (ذکایی، ۱۳۸۵: ۴۲)

### ۱-۲-۲- مفهوم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و ساحت‌های تربیتی سند

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با اتکا به آموزه‌های قرآن، اسناد بالادستی (مانند: سند چشم‌انداز بیست‌ساله افق ۱۴۰۴، هجری شمسی، نقشه جامع علمی کشور و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه شماره ۸۲۶ مورخ ۱۳۸۹/۵/۲، در شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسید و در آذرماه ۱۳۹۰ رونمایی شد و در مهرماه ۱۳۹۱ رسماً در کشور اجرا گردید. این سند از ۸ فصل تشکیل شده که عبارت‌از: فصل اول؛ بیانیه ارزشها، فصل دوم؛ بیانیه مأموریت، فصل سوم؛ چشم‌انداز، فصل چهارم؛ هدفهای کلان(۸هدف)، فصل پنجم؛ راهبردهای کلان(۱۵راهبرد)، فصل ششم؛ هدفهای عملیاتی و راهکارها(۲۳هدف) به همراه راهکارها (فصل هفتم؛ چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش بر اساس سند تحول بنیادین، هست. آموزش و پرورش باید در پایان دوره به اهداف تعیین شده در سند دست می‌یافت. اما موانع و چالش‌های پیش‌رو، سبب عدم اجرا و یا اجرای ناقص این سند شد. چالش‌ها وضعیتی جدید و عینی هستند که با فراگیری خود، به جامعه هجوم می‌آورند. گاه می‌توان تهدیدهای بالقوه را به فرصت‌های بالفعل تبدیل ساخت و از چالش‌های ناخواسته، بستری برای پویایی و رشد فراهم آورد. گرچه چالش‌ها موجب بیم می‌شوند، ولی همین بیم‌ها عوامل برانگیزنده‌ای برای دستیابی به راهبردهای

نویدبخش خواهند بود (ساجدی، ۱۳۹۶: ۱۴) ساحت در لغت‌نامه گلستانی معین به معنای خانه، درگاه و آستانه آمده است ولی مقصود از ساحت در حوزه تعلیم و تربیت، محدوده و دامنه‌ی خاصی است که مجموعه‌ای از رفتارها و فعالیت‌های تعلیم و تربیت در آن حوزه و دامنه قرار می‌گیرد. انسان موجودی دارای ابعاد و ساحت‌های مختلف است، از بینش‌ها، گرایش‌ها و توانایی‌های مختلف برخوردار است و با دیگر موجودات جهان ارتباط غایی دارد و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. هنگامی که از تعلیم و تربیت سخن می‌گوییم، در واقع از نوعی از قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی سخن می‌گوییم که در ابعاد مختلف روح و بدن انسان قرار دارند و انسان برای رسیدن به کمال مطلوب خود نیازمند آن است که با یاری دیگران آن‌ها را به فعلیت برساند یا آن‌ها را تصحیح، تعدیل، تقویت و هدایت کند. بنابراین تعلیم و تربیت دارای حوزه‌های مختلفی است، حوزه‌هایی که در آن نیازهای مشترک هم‌عرض انسان‌ها قرار گرفته است (اصطلاح (ساحت‌های تربیتی) به کار گرفته می‌شود. ساحت‌های شش‌گانه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش عبارت هستند از (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش):

#### ۱-۲-۲-۱- ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی

- پذیرش آزادانه و آگاهانه دین اسلام
- تلاش مداوم جهت ارتقای ابعاد معنوی وجودی خویش و دیگران از طریق برقراری ارتباط با خداوند (عبادت و تقید به احکام دینی) و دعوت سایرین به دین‌داری و اخلاق‌مداری
- خودشناسی و دیگرشناسی برای پاسخ‌گویی مسئولانه به نیازها، محدودیت‌ها و پیشرفت ظرفیت‌های وجودی خویش و دیگران.
- تلاش پیوسته برای حضور مؤثر و سازنده دین و اخلاق در تمام ابعاد فردی و اجتماعی

#### ۱-۲-۲-۲- ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

- تدبیر امر معاش و زندگی اقتصادی با درک موقعیت اقتصادی خود و جامعه و تلاش برای بهبود پیوسته آن
- درک و فهم مسائل اقتصادی خود و جامعه (در زمینه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی)
- تلاش فردی و جمعی برای تحقق غنا، کفاف، عمران، رشد و استقلال اقتصادی، حفظ و پیشرفت ثروت ملی، افزایش بهره‌وری، تأمین رفاه عمومی و بسط عدالت اقتصادی و شناسایی عوامل فقر، فساد و تبعیض و تلاش جهت مقابله با آن‌ها در سطح ملی و جهانی در جهت تشکیل جامعه‌ی صالح و پیشرفت مداوم آن، بر اساس نظام معیار اسلامی.

#### ۱-۲-۲-۳- ساحت تربیت علمی و فناوری

- شناخت و بهره‌گیری از نتایج تجارب متراکم بشری در حوزه علم و فناوری بر اساس نظام معیار اسلامی
- بهره‌گیری و ارزیابی از یافته‌های علمی و فناورانه و ایجاد خلاقیت و نوآوری در آن‌ها جهت کشف صورت‌های جدید واقعیت یا خلق روش‌ها و ابزارهای نوین برای وصول به اهداف متعالی در چهارچوب نظام معیار اسلامی
- برنامه‌ریزی و اجرای آگاهانه فعالیت‌های علمی پژوهشی برای دست‌یابی خود و جامعه به آینده مطلوب بر مبنای نظام معیار اسلامی

– برقراری ارتباط سازنده با طبیعت از طریق شناخت و استفاده از طبیعت باهدف تکریم، تسخیر، آبادانی و آموختن از آن برای ایفای نقش سازنده در فعالیت های علمی در سطح

#### ۱-۲-۴- ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی

– بازشناسی، حفظ و اصلاح آداب، رسوم، هنجارها و ارزش های جامعه در پرتو نظام معیار اسلامی؛  
– درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه خردمندانه یا تحولات اجتماعی و سیاسی بر اساس نظام معیار اسلامی

– توسعه آزادی و مرتبه وجودی خویش و دیگران در پرتو درک و اصلاح موقعیت اجتماعی خود و دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران و همشهریان و هموطنان و ...)

– برقراری رابطه سازنده و مناسب با ایشان بر اساس نظام معیار اسلامی و کسب صفاتی جمعی نظیر احسان، مهرورزی، انصاف، خیرخواهی، بردباری، وفاق، همدلی و مسالمت‌جویی

– آمادگی جهت تشکیل خانواده و حفظ و تداوم آن به‌مثابه مهم‌ترین نهاد تحقق‌بخش جامعه صالح بر اساس ارزش های نظام معیار اسلامی

– تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی و کسب شایستگی هایی نظیر رعایت قانون، مسئولیت پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی و پاسداشت ارزش های اجتماعی در جهت شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی؛

– بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی

– مشارکت جمعی مؤثر در حیات اجتماعی و سیاسی با رعایت اصول حق طلبی، حفظ کرامت و عزت، ظلم‌ستیزی، عدالت خواهی.

#### ۱-۲-۵- ساحت تربیت زیستی و بدنی

– درک ویژگی‌های زیستی خود و پاسخ گویی مسئولانه به نیازهای جسمی و روانی خویش  
– تلاش پیوسته جهت حفظ و ارتقای سلامت و بهداشت جسمی و روانی خود و دیگران بر اساس نظام معیار اسلامی؛  
– بصیرت نسبت به سبک زندگی انتخاب شده و ارزیابی پیامدهای آن درباره خود، جامعه و طبیعت بر اساس نظام معیار اسلامی؛

– تلاش فردی و جمعی برای حفظ و ارتقای سلامت و ایمنی افراد جامعه در سطح محلی، ملی و جهانی براساس نظام معیار اسلامی؛

– کوشش مداوم فردی و جمعی برای حفاظت از محیط‌زیست و احترام به طبیعت بر اساس نظام معیار اسلامی؛

### ۱-۲-۶- ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری

- درک معنای پدیده‌ها و هدف رویدادهای طبیعت / هستی برای دست‌یابی به درک کلی از جهان هستی و جایگاه خویش در آن بر اساس نظام معیار اسلامی؛
- رمزگشایی و رمزگردانی از پدیده‌های آشکار و پنهان طبیعت / هستی و ابراز آن به زبان هنری؛
- درک زیبایی‌های جهان و آفرینش به‌منزله مظاهر جمال و کمال الهی و ارتقای ذائقه زیباشناسانه خود؛
- بهره‌گیری از قدرت تخیل خود در خلق آثار هنری باهدف حفظ تعالی میراث هنری در سطح ملی و جهانی. (سلسبیلی، ۱۳۹۵: ۹۸-۱۰۲)

### ۲- بنیان‌های نظری تربیت شهروند تمدنی و جهانی در سند تحول بنیادین

پدیده جهانی‌شدن از بحث‌برانگیزترین مسایل روز جهان به‌شمار می‌رود. پدیده‌ای که در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و مرزهای جغرافیایی را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد، منافع مردم و کشورها را بیش‌از پیش به هم تنیده کرده و علاوه بر کالا و خدمات، افکار و دانش بشری را نیز آسانتر و بی‌حد و مرزتر از گذشته مبادله می‌کند. بی‌گمان تربیت شهروندان خوب مهم‌ترین هدف اکثر نظام‌های تعلیم و تربیت کشورهای جهان است. این موضوع مورد پذیرش گسترده‌ای از ابعاد جهانی در آموزش و پرورش کشورهای جهان است. در این راستا مسئولان تعلیم و تربیت کشورها با عزمی راسخ و با تدوین برنامه‌های آموزشی متنوع، تربیت شهروندانی فعال و منطبق با نیازهای روز کشور و در سطح جهانی را در صدر اقدام و فعالیت خود قرار دادند. رهبری معظم انقلاب ما در آموزش و پرورش احتیاج به تحول داریم. (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۵/۲/۱۲) آموزش و پرورش کنونی کشور ما، ساخته و پرداخته فکر ما و برنامه‌های ما و فلسفه ما نیست، بنای کار بر آن فلسفه‌ای نبود که ما امروز دنبال آن فلسفه هستیم. (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۶/۵/۳) تحول یک کلمه است. لکن در پشت این وجود لفظی، در پشت این کلمه، یک دنیا کار نهفته است. (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۶/۵/۳) بهترین و برجسته‌ترین فکرها باید بنشینند برای آموزش و پرورش طراحی کنند، باید فلسفه آموزش و پرورش اسلامی واضح باشد و براساس این فلسفه افق آینده آموزش و پرورش کشور روشن باشد. معلوم باشد ما دنبال چه هستیم و کجا می‌خواهیم برویم و براساس آن خط‌کشی بشود، برنامه‌ریزی بشود و راه‌ها مشخص بشود. ما به این احتیاج داریم، آموزش و پرورش باید از روزمرگی بیرون بیاید. این اساس حرف است. (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۵/۲/۱۲) تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده است تا با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود. تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آرمان‌های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم‌اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی‌سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین‌المللی است. اگرچه در سه دهه گذشته تلاش‌های وافر و قابل تقدیری از طرف مسئولان و دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی کشور به عمل آمد که خوشبختانه نتایج مثبت و مفیدی نیز بر جای گذاشته است؛ لیکن هنوز آموزش و پرورش با چالش‌های جدی روبرو است و برونداد آن در طراز جمهوری اسلامی

ایران و پاسخگوی تحولات محیطی و نیازهای جامعه نمی باشد. از این رو تأکیدات حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت تحول بنیادی در آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی - ایرانی و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی برای تحول و پرهیز از الگوهای وارداتی، کهنه و تقلیدی محض، چراغ راه برون رفت از چالش های نظام آموزشی کشور است. خوشبختانه با درک ضرورت و اهمیت این امر و در پاسخ به ندای هوشمندانه رهبری معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)، طرح تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در افق چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران پس از تدوین و تصویب در شورای عالی آموزش و پرورش در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت و سرانجام پس از شکل گیری حلقه های کارشناسی - پژوهشی با مشارکت صاحب نظران حوزوی و دانشگاهی و مدیران و کارشناسان مجرب آموزش و پرورش و سایر دستگاههای ذیربط، ضمن پایبندی به دیدگاه های حضرت امام خمینی (ره) و نظرات مقام معظم رهبری درباره تحول بنیادین نظام آموزشی و همسو با اسناد فرادستی، از جمله سند چشم انداز بیست ساله کشور، سند مذکور تدوین و به تصویب این شورا رسید. (حائری زاده، ۱۳۸۱: ۴۴)

دلیل دغدغه های رهبری معظم، حبس شدن سند و اغلب اقدامات در ابرانگاره تعلیم و تربیت صنعتی، و باور نکردن ابرانگاره جدیدی است که در حال شکل گیری در تمدن نوین است. رویکرد متناسب با نظام صنعتی و متناسب با جامعه و تمدن گذشته در نظام تعلیم و تربیت نهادینه شده، و تدوین کنندگان سند تحول و برنامه ریزان اقدامات تحولی، جرات تغییر این رویکرد را ندارند. در اقدامات تحولی، و از جمله سند تحول بنیادین، الگوی پیش فرض نظام رسمی کنونی آموزش و پرورش، از جمله ماهیت کلاس، معلم، کتاب درسی، اهداف آموزشی و .... به عنوان پیش فرض لایتغییر در نظر گرفته شده، تغییرات بر اساس همان الگوی قدیمی، در نظر گرفته شده، و تنها اقدامات سطحی در محدوده آن پیش بینی می شود. اگر به جامعه اجازه دهید، و حکمرانی ابرانگاره قدیم صنعتی، پای خود را از پشت جامعه در این حوزه بردارد، جامعه، بر اساس نیازهای جدید ایجاد شده، خود این تطابق را در نظام تعلیم و تربیت نیز انجام می دهد. نظیر آنچه که در بسیاری از حوزه های دیگر، نظیر اقتصاد، تجارت، حمل و نقل و نظایر آن اتفاق افتاده است. اما در حوزه تعلیم و تربیت، تلاش شده تا قواعد و معادلات ابرانگاره منسوخ شده را با کشیدن دیوار دور مدارس، و جدا کردن آنها از جامعه، و عقب نگه داشتن مدارس در فضای دهها سال قبل، به زحمت اجرا کنند. (حائری زاده، ۱۳۸۱: ۴۳)

## ۲-۱- مفهوم جهانی شدن در نظام تعلیم و تربیت

هرچند اصطلاحاتی چون "globalization"، "globalize" و "globalizing" از حدود سال های ۱۹۶۰ رواج عام یافته است، ولی واژه جهانی "global" بیش از چهارصد سال قدمت دارد. فرهنگ «وبستر» یکی از نخستین فرهنگ های معتبری است که برای اولین بار در سال ۱۹۶۱ تعاریفی را برای واژه های "globalism" و "globalization" ارائه کرده است. رابرتسون، مفهوم جهانی شدن را این طور تشریح کرده است: «جهانی شدن یا سیاره ای شدن جهان، مفهومی است که هم به فشرده شدن جهان، هم به تشدید آگاهی درباره جهان به عنوان یک کل، هم به وابستگی متقابل و واقعی جهان و هم به آگاهی از یکپارچگی جهان در قرن بیستم اشاره می کند.» از نظر رابرتسون، فرآیندها و کنش هایی که اکنون مفهوم جهانی شدن را برای آن به کار می بریم، قرن ها است که - البته با گسست هایی - جریان دارد. با این وجود، تمرکز بر جهانی شدن، موضوع جدیدی است. تشدید آگاهی جهانی از نظر رابرتسون، همراه با وابستگی متقابل شدید در زمینه مسائل مادی، احتمال اینکه جهان به یک تک نظام تبدیل شود، را افزایش می دهد ولی هرگز وی مدعی نیست که این جهان به صورت یکپارچه در می آید.



رابرتسون نیز مانند بعضی از متفکران معتقد است با این که جهان یک نظام واحد را تشکیل می‌دهد، اما پر از اختلاف و تضاد است تا آنجا که گروهی، جهانی‌شدن را به عنوان واکنشی به این محدودیت‌ها به شمار می‌آورند. مک‌گرو، می‌گوید: جهانی‌شدن، عبارت است از برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع که به ایجاد نظام جهانی کنونی انجامیده است و نیز فرآیندی که از طریق آن، حوادث، تصمیمات و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان، می‌تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در بخش‌های دیگر کره زمین داشته باشد. (سورین ورنر جوزف تانکار، جیمز دبلیو ۱۳۸۱: ۵۴). سند ۲۰۳۰ بدنبال جهانی شدن است. این در حالی است که نظام تعلیم و تربیت را نمی‌توان جهانی کرد؛ چرا که مهمترین مولفه در نظام تعلیم و تربیت زیست بوم فرهنگی و اقلیمی و تاریخی است. بنابراین طراحی فرهنگ و تربیت یک کشور را نمی‌توان واردتی قلمداد کرد.

## ۲-۲- دیدگاه موافقین جهانی‌شدن در آموزش و پرورش

این گروه معتقدند که جهانی‌شدن باعث نزدیکی بیشتر کشورها از نظر مبادلات اقتصادی و فرهنگی می‌گردد و در نتیجه موجب همکاری و رقابت جهانی در زمینه‌های علمی، فرهنگی، ورزشی و هنری نیز خواهد شد. بر اساس نظر این گروه، در دیدگاه جهانی، آموزش و پرورش به عنوان وسیله‌ای برای شرکت در فعالیت‌های جهانی است. و افراد باید آموزش ببینند تا بتوانند در عرصه‌های بین‌المللی موفق باشند و این اهداف، امری فراتر از موفقیت اقتصادی قلمداد می‌گردد. (دوبونو، ۱۳۸۰: ۵۵) از نظر این گروه، جهانی‌شدن می‌تواند منجر به نوعی ترکیب فرهنگ‌ها گردد که در درون مرزهای ملی صورت می‌پذیرد. توانایی زندگی کردن، فهمیدن و ارزش‌گذاردن بر تفاوت‌های فرهنگی یکی از ارزشمندترین درس‌های آموزش و پرورش است که در دیدگاه جهانی می‌توان آن را برآورده ساخت.

یکی دیگر از اشکال جهانی‌شدن می‌تواند به صورت ملحق شدن به یک سیستم آموزشی بین‌المللی باشد که در آن مدارس کشورهای مختلف دنیا می‌توانند از یک برنامه آموزشی هماهنگ برخوردار باشند. مانند مؤسسه IBO که بیش از هزار مدرسه ابتدایی و راهنمایی را در سراسر دنیا پوشش می‌دهد. مجموعه‌ای از این مدارس که شامل ۴۰۰ مدرسه دولتی است، مشترکاً معتقدند که این امر یعنی تبدیل برنامه‌های آموزشی ملی به برنامه‌های بین‌المللی باعث غنی‌سازی برنامه‌های آموزشی کشورشان شده است. با این وجود بسیاری از کشورها چندان تمایلی به وارد ساختن آموزش و پرورش خود در حیطه جهانی ندارند؛ چرا که آن را ابزاری برای اعمال سیاست‌های ملی و قومی خود نمی‌دانند. (دوبونو، ادوارد، ۱۳۷۶: ۴۱)

## ۲-۳- دیدگاه مخالفین جهانی‌شدن در آموزش و پرورش

این گروه معتقدند: در حال حاضر جهانی‌شدن سعی در ایجاد علائق مشترک برای کسانی دارد که طرفدار آموزش و پرورش دولتی هستند. افرادی که براین باورند در هر منطقه‌ای از دنیا که زندگی کنند باید بتوانند فرزندان خود را به مدرسه بفرستند و از امکانات آموزش عمومی بهره‌گیرند. کسانی که اعتقاد دارند برابری در بهره‌گیری امکانات آموزشی تنها در سایه آموزش و پرورش عمومی امکان‌پذیر است؛ چراکه بودجه آن توسط دولت تأمین شده و برای همه یکسان ارائه می‌گردد. آموزش و پرورش که دموکراتیک بوده و مخصوص صاحبان پول و سرمایه نباشد. اما طرفداران جهانی‌شدن، تصور می‌کنند که با مطرح نمودن نتایجی نظیر یکپارچگی اقتصادی، بی‌مرز شدن و یگانگی فناوری کشورها و غالب بودن ایدئولوژی نئولیبرال می‌توانند منشأ علائق مشترک باشند. (دوبونو، ادوارد، ۱۳۷۶: ۹۸)

طرفداران آموزش عمومی و دولتی اظهار می‌کنند که از پیدایش دیدگاه جهانی تاکنون یعنی تقریباً از اواسط دهه ۹۰، الحاق آموزش و پرورش کشورها به ساختار جهانی تنها در قالب طرح‌های بین‌المللی امکان‌پذیر بوده است. طرح‌هایی که اساساً تجاری-بازرگانی هستند و با هدف برقراری توافق‌های بین‌المللی بازرگانی و سرمایه‌گذاری طرح‌ریزی شده‌اند، نظیر توافق نامه‌های APEC، NAFTA، MAI و غیره که همگی واحدهایی از برنامه جامع «فرایند تشکیل مجامع کشورهای آمریکایی» هستند. این طرح‌ها، با وجود ماهیت تجاری خود به آموزش و پرورش نیز پرداخته و علاوه بر اینکه در مورد سیاست‌های آموزشی به‌طور نامطلوبی تصمیم‌گیری شده، دارای نقاط مشکوک و شبهه‌انگیزی نیز می‌باشد. (شوارتز، ۱۳۸۵: ۱۳۲)

به‌عنوان مثال در یکی از بندهای NAFTA و یا GATT آمده است که اگر کشوری به یکی از این قراردادهای تجاری بپیوندد و اداره آموزش و پرورش کشور خود را نیز تابع قرارداد جهانی سازد، بعداً حق ندارد آن را خارج نماید ولو اینکه اکثریت مردم آن کشور از آنچه در آموزش و پرورش کشورشان اتفاق بیفتد ناراضی بوده و رأی به خروج از آن قرارداد بدهند. مقام معظم رهبری در بیانات خود مکرراً به تهیه سند آموزش و پرورش بر اساس زیست بوم فرهنگ ایرانی و اسلامی تأکید کردند.

### ۳- ضرورت های تربیت شهروند تربیت یافته و متعالی از منظر سند تحول بنیادین

بی‌گمان تربیت شهروندان فعال یکی از دل‌مشغولی‌های اکثر نظام‌های تعلیم و تربیت در بسیاری از کشورهای دنیا می‌باشد. مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد که مسؤلان تعلیم و تربیت در این کشورها با عزمی راسخ و با تدوین برنامه‌های آموزشی متنوع، تربیت شهروند فعال را در حدود اقدامات و فعالیت‌های خود قرار داده‌اند.

تربیت شهروندی نه تنها بنیاد تعلیم و تربیت رسمی است بلکه انتقال ارزش‌های فرهنگی نیز از طریق تربیت شهروندی صورت می‌پذیرد، بدین ترتیب تربیت شهروندی با ارزش‌های فرد سروکار دارد (سجادی، ۱۳۹۶: ۲۴).

نهاد آموزش و پرورش یک کشور نقش اساسی در تربیت شهروندان آن جامعه و آموزش و توسعه حقوق انسانی دارد. اگر چه شکل‌گیری و رشد شخصیت افراد یک جامعه الزاماً وابسته به تعلیم و تربیت نیست لکن باید اذعان داشت؛ بخش اعظمی از رشد فردی و اجتماعی افراد توسط نهاد رسمی آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. در واقع تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی یکی از مهم‌ترین و هدفمندترین بخش‌های تربیت آدمی است که اثرات آن را به گونه‌ای همه‌جانبه می‌توان در زندگی انسان‌ها و در ابعاد مختلف؛ فکری، اجتماعی، مذهبی، هنری و اخلاقی آنان مورد مشاهده، بحث و بررسی قرار داد. از سویی دیگر، پویایی و نشاط یک جامعه به مشارکت فعالانه نسل جوان آن در امور مختلف جامعه منوط است، نسلی که آگاهانه و با شخصیتی توسعه یافته بتواند در جامعه اش مشارکت همه‌جانبه داشته و نقش شهروندی خود را به خوبی ایفا نموده و در برخورد با مسائل و مشکلات، منطقی بیندیشد و عاقلانه در جهت حل آنها تصمیم‌گیری نماید، بنابراین تربیت و آموزش شهروندی عبارت از دانش و آگاهی فراگیران نسبت به حقوق شهروندی و انسان، کسب مهارت‌های لازم و ارزش‌هایی که برای زندگی در یک جامعه تعیین و با اهمیت و ضروری فرض شده است و هم‌چنین درک پیچیدگی‌هایی که در سطوح؛ ملی، محلی منطقه‌ای و جهانی وجود دارد. این آموزش‌ها در وهله اول از طریق حضور طولانی مدت در مدرسه و به عهده نظام آموزش و پرورش رسمی و پس از آن نظام‌های غیررسمی آموزش است (فیاض، ۱۳۹۳: ۴۰).

اهمیت عملکرد آموزش و پرورش تا بدان جاست که روسو آن را «کشتی نجات دهنده بشر اجتماعی» و کانت آن را «بازاری برای انسان نمودن انسان» می‌داند. همچنین آن را عاملی معنابخش به زندگی همه ی افراد جامعه می‌داند. به طور کلی، هدف از تشکیل نظام آموزشی در سراسر دنیا را می‌توان در دو هدف کلی پرورش شخصیت انسان و رفع نیازهای اجتماعی، خلاصه نمود. (اسکندری، ۱۳۹۳: ۹۰)

بدیهی است که کشورهای مختلف جهان با توجه به ماهیت و زیر ساخت های حکومتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و نظامی، تصویری خاص از انسان و جامعه ی مطلوب، در نظر داشته باشند. روشن است که رسیدن به تصویر پیش روی جوامع، تنها از طریق نظام آموزشی و تربیتی امکان پذیر است. چنانچه اندیشمندان گذشته نظیر افلاطون، بنیاد مدینه ی فاضله ی ترسیم می را بر پایه ی تربیت قرار داده است و در دوران معاصر نیز، دیویی همبستگی دقیقی بین تربیت و دموکراسی برقرار می کند و تنها دموکراسی هایی را پایدار می‌داند که از سر آگاهی باشد. اگرچه تصویری که هریک از کشورها از «تربیت» به دست می دهند، وابسته به ماهیت و زیرساخت های آن هاست، ولی مهمترین عنصری که بدون آن دستیابی به اهداف امکانپذیر نمی نماید، انسانهایی اند که به هدایت و راهبری جوامع می پردازند. از این رو در هسته ی مرکزی تصویر کلان از نظام تربیتی، انسان ها قرار دارند. بنابراین همزمان با ارائه ی تصویر از نظام تربیتی، تصویر شهروند مطلوب نیز ساخته می شود (قائدی، ۱۳۸۵: ۵۸).

اینکه، آموزش و پرورش تا چه میزان با پدیده جهانی شدن همسو بوده و در جهت آن حرکت می کند، به یکی از دل مشغولی ها و دغدغه های کشورهای توسعه یافته و بعضی کشورهای نیمه توسعه یافته تبدیل شده است. زیرا از آنجایی که آموزش و پرورش به عنوان نهادی است که با تربیت و پرورش انسان سر و کار دارد بنابراین نقش بسیار موثری در رشد شخصیتی و رفتاری دانش آموزان خواهد داشت. همچنین آموزش و پرورش برای پویایی و بالندگی ناگزیر است مدرسه را به دنیای واقعی پیوند بزند و در کنار ارائه دانش های تخصصی در رشته های علمی به دانش آموزان کمک کند دانش و مهارت های را کسب کند که بتواند در مواجهه با وضعیت و اقتضات عصر جدید از جمله جهانی شدن موفق باشند. آموزش و پرورش باید به بسط و شکوفایی قابلیت های آدمی پردازد و مهیای پرورش شهروندان جهانی باشد (عطاران، ۱۳۸۱: ۲۶)

### ۳-۱- معلم خوب پیش شرط شهروند متعالی

فروغی ابری، معلم خوب را در ارتقای بینش سیاسی و پرورشی، روحیه پاسداری از استقلال همه جانبه کشور، پرورش روحیه سلحشوری به متعلقات، تقویت بینش سیاسی به مسائل ایران و جهان مؤثر میدانند (فروغی ابری، ۱۳۸۶: ۷۸) اسکندری در تحقیق خود بر اقتدار مثبت (اقتدار محتوایی) معلمان خوب و تأثیرات عمیق آن در فرآیند تعلیم و تربیت تأکید می نماید. منظور از اقتدار، مزایا و پاداشهایی به شاگردان یا برعکس توان اعمال تنبیه نیست بلکه منظور این است که معلم از سوی دانش آموزان به عنوان فردی ماهر و متخصص شناخته میشود و سطح دانش وی بیشتر از خود آنها برآورد می گردد. از نظر نقش و جایگاه اجتماعی دارای جایگاهی بلند و عالی میباشد. بدون اقتدار، عملاً جریان تربیت منتفی خواهد بود. به عبارت دیگر اگر در تعامل بین معلم و شاگرد، اقتداری در کار نباشد، مربی و متربی در یک سطح قرار گرفته و تربیت معنی خود را از دست میدهد. باین همه معلمان خوب به طور عام لازم است که از شکل های مطلوب و موجه اقتدار برخوردار باشند و از کسب انواع نامطلوب آن بپرهیزند. (اسکندری، ۱۳۹۳: ۶۶۹) رسول و همکاران بر شایستگی معلمان خوب تأکید دارند و واژه شایستگی را به هر ویژگی عملکردی فردی اطلاق میکنند که منجر به عملکرد قابل قبول یا برجسته شود. شایستگیها ممکن است شامل مهارتهای

فنی، سطح انگیزه، صفات شخصیتی، آگاهی از بدنه دانش، یا هر چیز دیگری باشد که میتواند در دستیابی به نتایج کمک کند. (راسول و گریبر، ترجمه طاهری، ۱۳۹۶: ۳) بلیک مور و فریت معتقدند که از نشانه های شایستگی معلمان خوب این است که آنها ایده های خوب را در ذهن شاگردان خود تقویت و پایدار می سازند. اشتباه ها و سوء تفاهم ها را برطرف می کنند. آنها میدانند که مغزها مانند آحاد افراد، با یکدیگر تفاوت دارند، اما مغزی وجود ندارد که نتوان آن را بهبود بخشید یا تغییر داد (بلیک، ترجمه خرازی، ۱۳۹۴: ۱۶) اثربخش بودن معلمان وابسته به دارا بودن ترکیبی از انواع شایستگی هاست. بخشی از شایستگی های معلمی متأثر از قابلیتها و توانمندیهای فردی معلمان است و بخش دیگر به محیط تعلیم و تربیت معلمان ارتباط دارد. (آلتان و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۷۳) تسلط معلم بر دانش موضوعی، یک شایستگی بنیادین محسوب می شود. معلم تا درک و تحلیل روشنی از دانش موضوعی نداشته باشد و منطبق دانش موضوعی را درک نکند، نمی تواند عمل تدریس را حتی در ابتدایی ترین شکل آن انجام دهد. ضروری است معلمان بر دانش موضوعی یا دانشهای مرتبط با موضوع تدریس خود مسلط باشند با ابزارهای تحقیق و ساختار دانش موضوعی یا دانشهای مرتبط با موضوع تدریس خود آشنا باشند و تجارب یادگیری را به نحوی طراحی کنند که جنبه های مختلف موضوع درسی برای دانش آموزان معنادار شود. (همفری و همکاران، ۲۰۰۷: ۸۷) گزارشهای یونسکو حاکی است که در تربیت معلمان خوب باید به عواملی همچون تأمین مالی معلمان توجه زیادی نمود چراکه استرس فقر به مغز آسیب میرساند و مانع ارتقاء و اقتدار معلمین میشود. (نصیری، ۱۳۹۵: ۳) یوسف زاده میگوید معلم خوب باید به عنوان یک عضو در مجامع ملی و بین المللی حرف های حضور یابد تا بتواند دانش و عمل حرفهای خود را بهبود بخشد (همان، ۱۳۹۵: ۱۴۸) بر اساس تعریف صاحبی، معلم خوب معلمی است که رئیس مآبانه رفتار نمی کند. او شیوه آرام بخشی به خود و مدیریت هیجانات منفی را می آموزد یعنی مهمترین مهارتی که بعدها نیز در زندگی دانش آموزان به کارشان می آید. صحراکار و همکارانش سازگاری با تغییر را یکی از ویژگیهای معلم خوب میدانند و معتقدند که معلمان خوب باید در مرکز تغییرات برنامه های درسی قرار بگیرند (همان، ۱۳۹۶: ۸۹) به عقیده رستمی معلم خوب کسی است که علاوه بر دارا بودن ویژگیهایی همچون توانایی، دانش، تعهد و کارآمدی در ارتقای همه جانبه همکارانش نیز تلاش کند (همان: ۱۶۸) میل ورد استفاده از روشهای خلاق در کلاس درس، به تفکر واداشتن دانش آموزان، به بحث کشاندن آنها در سطوح مختلف، گنجاندن نظریه در عمل، توجه یادگیری دانش آموزان را از ویژگیهای معلمان خوب دانسته است (میلوارد، ۲۰۱۸: ۳۹) کلاس را به صورت یک فضای عاطفی در نظر می گیرند و معلم خوب را معلمی میدانند که در زندگی عاطفی دانش آموزانش حضور می یابد و با در نظر گرفتن واکنشهای عاطفی مورد انتظار یا واقعی دانش آموزان تصمیم گیری میکند (شپارد و لوی، ۲۰۱۹: ۱۶۷). کیم و همکارانش معتقدند در کلاس درس دانش آموزان مهارتهای معلمان خود را الگوبرداری میکنند. اگر معلمان نتوانند این مهارتها را به دانش آموزان خود منتقل کنند، آنها قادر به الگوگیری نخواهند شد.

### ۳-۲- بر ساخت شهروند متعالی در پناه جایگاه معلم خوب در سند تحول بنیادین

در سند تحول بنیادین، معلم خوب به عنوان اسوهای امین و بصیر و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی است. از اینرو نظام آموزشی کشور با داشتن بیش از یک میلیون معلم با ارائه سند تحول سعی نموده است تا هر چه بیشتر به تربیت دانش آموزان، متناسب با اهداف تربیتی اسلام با نیمیگاهی به اهداف مطرح شده جدید در عرصه های جهانی بپردازد. در مسئولیت، معلم فقط به اجرای مسئولیت خود می پردازد و اگر دانش آموز نتواند به مقصد برسد معلم خود را مقصر نمیداند اما در پاسخگویی، معلم ضمن اینکه مسئولیت خود را به نحو احسن انجام میدهد ولی به آن قانع نبوده و

او می‌خواهد بداند که چرا برخی از دانش -آموزان به نتیجه مطلوب نرسیده اند. به نظر می‌رسد که در سند تحول بنیادین برای همراه شدن با تحولات آموزشی دنیا و حتی فراتر رفتن از این تحولات، دو نوع تحول مفهومی برای رسیدن به اهداف بیان شده در بالا صورت گرفته است که درک آنها برای تمامی دست اندرکاران ضروری است. این دو نوع تحول مفهومی عبارت اند از: الف: مفاهیم جدید با واژگانی جدید: در مبانی نظری و در سند تحول، برخی واژگان نوین با مفاهیم جدید به کار گرفته شده است که در اسناد قبلی و ادبیات آموزش و پرورش رایج نبوده است. واژگانی مانند: "حیات طیبه"، "تکوین و تعالی هویت"، "تعالی موقعیت" مفاهیم جدیدی هستند که در مجموعه بنیان های نظری و نیز سند تحول بنیادین مورد توجه قرار گرفته اند. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰) و نظام آموزش و پرورش بر پایه آنها استوار است. این مفاهیم کلیدی نیازمند بررسی عملیاتی هستند تا مخاطبین با شناخت معنا و مفهوم آنها بتوانند راهبری اجرای عملیاتی سند را معمول دارند. ب: مفاهیم جدید با واژگان قدیم: در اسناد تحولی برخی از واژگان اشراق مفهومی شده‌اند، بدین معنی که واژه‌ها، قدیمی و مصطلح است مانند: معلم، تربیت، مدرسه، خانواده، روش تدریس، شیوه ارزشیابی، لیکن توسعه مفهومی پیدا کرده و معنای جدیدی از آن استفاده می‌شود. تحول بنیادین به مفهوم دقیق کلمه، نیازمند درک مفاهیم جدید و به کارگیری واژگان و کلمات بامعنا نوین است که می‌تواند شوق انگیز و تحول آفرین باشد. در غیر این صورت باطن و روح حاکم بر اسناد تحولی درک نخواهد شد و تحول به یک حرکت ظاهرگرایانه فرو کاسته می‌شود و نشاط و شادابی در ذینفعان و مخاطبان و نیز اثربخشی و کارایی در سیستم ایجاد نمی‌کند. به این ترتیب سند تحول می‌تواند طراح الگوی معلم خوبی باشد که بهترین و جامع ترین الگوها گردد. با عنایت به موارد فوق، این پژوهش سعی میکند که با توجه به فلسفه تربیتی اسلام و مؤلفه های مطرح شده در سند، تحولات صورت گرفته در تعلیم و تربیت کشورهای پیشرفته جهان، ضمن ارائه الگوی معلم خوب بر اساس مؤلفه های مطرح شده در سند به اهداف سند تحول نزدیکتر گردد. (بیات: ۱۳۹۳: ۷۹)

### ۳-۳- ضرورت شهروند آگاه به سند ۲۰۳۰ و چالش های آن با مبانی اندیشه اسلامی

چالش با مبانی اسلامی از جمله لوازم پذیرش سند ۲۰۳۰ است؛ زیرا بر اساس این سند، تحول و نوسازی نظام آموزشی کشور، نه بر اساس فلسفه تربیت اسلامی، بلکه باید مبتنی بر فلسفه تربیتی غرب شکل گیرد. افزون بر اینکه مطابق این سند، ابتدای شاخص های پایش و ارزیابی تحول و نوسازی نظام آموزش کشور، باید بر اساس شاخص ها و استانداردهای بین المللی باشد. این به معنای این است که شاخص ها و استانداردهای ملی و بومی بی معنا و نامعتبرند. (ربانی، ۱۳۹۶: ۶۶)

- مفهوم «برابری جنسیتی» و «ضرورت توجه به برابری جنسیتی»، علاوه بر اینکه نباید موجب نقض حقوق بشر شود، فوایدی و مزایای اجتماعی و اقتصادی در زمینه آموزش دختران و زنان... دارد (هدف: ۴-۵)، از نظر انطباق با موازین شرعی و قوانین داخلی، محل بحث و تأمل جدی است.

- در این سند به عناوینی مانند «پایان دادن به همه اشکال تبعیض علیه زنان و دختران در همه جا»، «ریشه کنی انواع خشونت علیه زنان و دختران»، «در اختیار قرار دادن فرصت های برابر با مردان و دسترسی به بهداشت باروری و جنسی»، اشاره شده است. کمیته رفع تبعیض، که بر روند اجرای اسناد بین المللی نظارت می‌کند، مصداق های تبعیض را موارد زیر می‌داند: حجاب، جرم انگاری روابط جنسی، جرم انگاری و عدم آزادی همجنس گرایی، مخالفت با سرپرستی شوهر در زندگی، قوانین محدودکننده سقط جنین و بسیاری دیگر (کمیته رفع تبعیض...، ۲۰۱۳، پاراگراف ۴). این امور جملگی مخالف صریح احکام قطعی اسلام است.

- این گزاره در سند ۲۰۳۰ که «تفکیک جنسیتی در محیط آموزش مصداق خشونت جنسیتی است» و تأکید بر حنسیتمحور بودن فضاهای آموزشی، ناظر بر اختلاط است. درحالی که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، با توجه به تفاوت‌های جنسیتی، باید به دختران و پسران برای نقش‌پذیری بهینه در آینده در خانواده آموزش‌های لازم و مستقل جداگانه داده شوند. درحالی که از منظر اسناد و نهادهای بین‌المللی، تفکیک جنسیتی یکی از مصادیق اعمال تبعیض جنسیتی و خشونت جنسی محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد، هدف از آموزش زنان و دختران برای تحقق برابری جنسیتی، نگاه ابزاری به زن و ابزار شدن زنان برای التذاذ مردان است. درحالی که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، باید به تناسب تفاوت‌ها و ویژگی‌های طبیعی دختران و پسران، امکانات آموزشی متناسب ارائه شود و جداسازی آموزش دختران و پسران، یکی از اقدامات مؤثر در جهت تضمین برخورداری دختران از حقوق و نیز پیشگیری از ارتکاب اشکال مختلف خشونت علیه دختران توسط گروه همسالان پسر می‌باشد. برای نمونه، در رویه‌های بین‌المللی، مفهوم «کلیشه‌های جنسیتی»، ناظر بر هرگونه نقش‌پذیری متفاوت زنان و مردان در خانواده می‌باشد. درحالی که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، اساساً یکی از شاخصه‌ها و ملاک‌ها، آموزش کودکان و نوجوان متناسب با ویژگی‌های طبیعی و خلقتی است که بتواند زمینه‌سازی نقش‌پذیری بهینه آنان در آینده در عرصه خانواده و اجتماع شود. این نوع نگرش اساساً در مفهوم‌سازی «کلیشه‌های جنسیتی»، در رویه‌های بین‌المللی، قابل پذیرش نیست. در سند «تحول بنیادین آموزش و پرورش»، بر لزوم آموزش دختران و پسران با توجه به ویژگی‌های طبیعی و خلقتی تأکید شده است (همان). از این رو، هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در نظام آموزشی باید بر مبنای فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و مفاد سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش صورت گیرد. (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۱۴۶)

- در خصوص «آموزش جنسی» هم قطعاً باید هرگونه آموزش در چارچوب موازین اخلاقی، شرعی و قانونی صورت گیرد. در این میان، نباید نقش و جایگاه خانواده را نادیده گرفت و این نقش بر عهده والدین است. اما آموزش جنسی در چارچوب آموزش رسمی، در عمل منجر به گرفتن ابتکار عمل از والدین در این عرصه است. در سند تحول بنیادین، بر لزوم آموزش دختران و پسران با کارکردهای خانواده و وظایف آن و زمینه‌سازی ایفای بهینه نقش‌های خانوادگی در آینده، توسط آنان تأکید شده است. درحالی که مفهوم آموزش جنسی و تنظیم خانواده در رویه‌های بین‌المللی، ناظر بر به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های جنسی نامشروع برای نوجوانان است. این امر، قطعاً در تعارض با مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. (کتابی، ایزدی اودلو، ۱۴۰۰: ۱۳۱)

- گزاره «هنجارها و ارزش‌های فرهنگی مانع تحصیل دختران می‌شود» (ر.ک: هدف ۴-۵)؛ با فرض صحت، در مقابل ادعای احترام به فرهنگ‌ها و تکرر فرهنگ‌ها و ارزش‌های حاکم چگونه معنادار است؟ جز اینکه مقصود این است که قائل به فرهنگ واحد جهانی باشیم، فرهنگ‌ها زمانی قابل احترام هستند که زیر چتر فرهنگ جهانی غربی باشند. به عبارت دیگر، باید ارزش‌های برخی فرهنگ‌ها متناسب با ارزش‌های جهانی و در راستای توسعه پایدار معنادار باشد.

- عبارت «ممانعت از ازدواج زودرس، به دلیل دورماندن از تحصیل و آموزش» (ر.ک: کمیسیون ملی یونسکو- ایران، ۱۳۹۵: ۲۹ و ۷۵)، تداوم سناریوی افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ باروری زنان و خاکستری کردن جمعیت است که در تعارض مستقیم با سیاست‌های کلی نظام در خصوص رویکرد جمعیتی است.

## نتیجه گیری

در این پژوهش با واکاوی مفهومی اسناد مورد مطالعه، مشخص شد که تمامی مؤلفه های تربیت شهروندی در جمهوری اسلامی ایران با محوریت دین و رسیدن به قرب الهی مفهوم سازی شد. براین اساس شهروند در حوزه دینی با شاخص های اعتقادی، عبادی، شناختی و در حوزه اجتماعی با شاخص های منفعت اجتماعی، مشارکت و نقش آفرینی مجزای اجتماعی مطلوب به شمار می آید تحقق تمدن نوین اسلامی در عصر حاضر اهمیت ویژه ای پیدا کرده است چرا که در راستای همین تربیت، تربیت تمدنی نیز به نحو احسن شکل گرفته است. و از ابعاد و زوایای مختلف بررسی گردیده است. در این مقاله چنین استنباط شد که از منظر سند تحول آموزش و پرورش و با محوریت قرارداد مفهوم تربیت تمدنی چگونگی تحقق تمدن اسلامی بررسی شود و تربیت مبتنی بر جهاد به عنوان بایسته اساسی تحقق تمدن اسلامی مطرح گردید. آموزش و پرورش فرایند یادگرفتن دانش و مهارت و یاد دادن آن است. این فرایند از پیدایش انسان بر زمین آیار شده، آرام آرام کاملتر شده و امروزه یکی از پایه های اساسی پیشرفت جامعه ها شده است. ایرانیان در فرایند پیشرفت آموزش و پرورش، نقش شایسته ای داشته اند به طوری که شکوفایی تمدن اسلامی تا حدود زیادی وامدار تلاش آموزشگران ایرانی است. از اهداف مهم نظام جمهوری اسلامی ایران، زمینه سازی در راستای تحقق اهداف متعالی دین اسلام و فرهنگ اصیل ایرانی و تشکیل تمدن نوین اسلامی - ایرانی است. از اهم نهادهای اساسی و زمینه ساز در این مسیر، نظام آموزش و پرورش است. نظر به این که، تمدن، محصول دانش و تعالی فرهنگی است و شکل گیری تمدن نوین اسلامی- ایرانی، مستلزم اجرای همه جانبه ی اسالم در قالب فرایند نوسازی جامعه از مجرای آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش از طریق تبیین اهداف فردی و اجتماعی در جامعه بر اساس موازین شریعت اسلام، ایجاد آگاهی و گرایش نسبت به اسالم، انتقال ارزش ها و آداب اسلامی، ترویج سبک زندگی اسلامی- ایرانی، تربیت اخلاقی، فردی و اجتماعی، تولید علم و فناوری و زمینه سازی جهت دستیابی به رفاه نسبی، زمینه ی الزم جهت شکل گیری تمدن اسلامی- ایرانی را فراهم می نماید. بدون تردید در طی چهار دهه حیات مبارک انقلاب اسلامی، گام های بلندی در توسعه دسترسی به آموزش و توزیع عادلانه تر فرصت های آموزشی و کاستن از فاصله های قومیتی، جنسیتی و منطقه ای در دسترسی به این فرصتها، رشد میزان باسوادی، انتقال ارزشها و باورهای دینی و انقلابی به نسل نو، توجه و تکریم مناسک و شعائر اسلامی و کسب رتبه های بالا و مدارج علمی در سطح منطقه ای و بین المللی، آشنایی بیشتر با قرآن کریم، عترت و اهتمام به فریضه نماز، حضور مسؤولانه و همدلانه در همه صحنه های مهم و تاریخ ساز انقلاب اسلامی، بهبود سلامت جسمی و مراقبت از سلامت روانی و پیشگیری از آسیب های اجتماعی، شناسایی استعدادها و پرورش نخبگان برداشته شده و افتخارات بزرگی حاصل شده است. این دستاوردها افتخار آمیز و امیدوار کننده است آنگاه که به وضعیتی میاندیشیم که در ابتدای انقلاب شاهد آن بودیم و مسیری که طی کرده ایم ولی آنگاه که به افقهای دور دست چشم میدوزیم و در اندیشه تمدن سازی نوین اسلامی هستیم و میخواهیم سرآمد باشیم و تاریخ ساز، الهام بخش و تحول آفرین و میخواهیم تشعشع تابناک انوار انقلاب اسلامی کاهنده آلام مردمان باشد و دستگیر محرومان و مستضعفان و سدی استوار در برابر مستکبران و فزونی طلبان، حکایت دیگر است و لااقل این جمع ماموریت دارد که اینگونه بیانیدشد و این رسالت بزرگ را تدبیر کند.

### راهکار های پیشنهادی کلان پیش روی تحقق شهروند تمدنی با تربیت متعالی

راهکار ۱-۱- طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی ملی براساس اسناد تحول راهبردی و باز تولید برنامه های درسی موجود با تأکید بر:

الف) متناسب سازی حجم و محتوی کتب درسی و ساعات و روزهای آموزشی با توانمندی ها و ویژگی های دانش آموزان

ب) حاکمیت رویکرد فرهنگی- تربیتی در تولید محتوا و تقویت شایستگی های پایه دانش آموزان

ج) بهره مندی فزونتر از روش های فعال، خلاق و تعالی بخش

د) بهره گیری از تجهیزات و فناوریهای نوین آموزشی و تربیتی در راستای اهداف

ه) توجه بیشتر به تفاوت های فردی به ویژه هویت جنسیتی دانش آموزان و تفاوت های شهری و روستایی

راهکار ۱-۲- تدوین برنامه های عملیاتی لازم در راستای ترویج، تقویت مستمر و تحکیم فضایل اخلاقی در محیط های تربیتی با استفاده از تمام ظرفیت های آموزشی و تربیتی با تأکید بر اولویت کرامت و عزت نفس، حیا و عفت، صداقت، مسئولیت پذیری و نظم در تمام دوره های تحصیلی

راهکار ۱-۳- توسعه فرهنگ اقامه نماز و اهتمام به برپایی نماز جماعت در مدرسه و تقویت انس با قرآن در دانش آموزان و توسعه فرهنگ و سواد قرآنی با اصلاح برنامه ها و توانمند سازی معلمان در راستای تقویت مهارت روخوانی و روان خوانی در دوره ابتدایی، آشنایی با مفاهیم کلیدی قرآن در دوره متوسطه اول و آموزش معارف قرآنی در متوسطه دوم بر اساس منشور توسعه فرهنگ قرآنی

راهکار ۱-۴- ایجاد ساز و کارهای ترویج و نهادینه سازی، امر به معروف و نهی از فرهنگ ولایت مداری تولی و تبری منکر، روحیه جهادی و انتظار زمینه سازی برای استقرار دولت عدل مهدوی (عج) با تأکید بر بهره گیری از ظرفیت حوزه های علمیه و نقش الگویی معلمان و اصلاح روش ها

راهکار ۱-۵- ارائه آموزش زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه ی درسی، با رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت اسلامی- ایرانی و مهارت های

راهکار ۱-۶- گسترش و تنوع دادن به موارد مورد نیاز جامعه و تعلیم متناسب و برنامه ریزی شده آن در همه دوره های تحصیلی و برای همه دانش آموزان

راهکار ۱-۷- ایجاد سازوکار برای تقویت انسجام اجتماعی و وحدت ملی و احیای هویت افتخار آمیز اسلامی - ایرانی در دانش آموزان و معلمان با تأکید بر آموزش و اجرای سرود ملی و به اهتزاز در آوردن پرچم جمهوری اسلامی ایران در تمام مدارس در تعیین استراتژی حرکت آموزش و پرورش، باید به دنبال یافتن راه هایی برای ایجاد ساختارهای اجرایی مردم سالار و جلب مشارکت عمومی و استفاده از همه قابلیت ها و امکانات جامعه و افزایش ظرفیت ها بود تا زمینه ای فراهم شود که کلیه نخبگان فکری و اندیشمندان و صاحب نظران مسائل فرهنگی و سیاسی خود را در امر تعلیم و تربیت و در نظام آموزشی کشور سهیم بدانند. در چنین سیستمی کلیه عناصر تأثیرگذار در جامعه برای ایجاد یک محیط برانگیزاننده و بالنده در جهت تحقق اهداف و برنامه های آموزش و پرورش کار می کنند و به منظور بهتر بودن و بهتر شدن و ارائه خدمات آموزشی باکیفیتی برتر، مشارکت فعال دارند.

آموزش و پرورش به لحاظ نوع کار و مکانیزم اثرگذاری آن بر بنیاد جامعه، برنامه ریزی ها و تصمیمات آن خیلی سریع مورد قضاوت افکار عمومی، بازنگری جامعه و تجزیه و تحلیل نخبگان و اندیشمندان قرار می گیرد به همین خاطر مسؤولین



تصمیم‌ساز در آموزش و پرورش باید با شناسایی و تبیین ارتباط ارگانیک موجود بین عوامل، شرایط و زمینه‌های تأثیرگذاری بر برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و آموزشی و کنترل کارآمد برنامه‌ها، مواظب بازخورد فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود باشند و هرگونه طرح و برنامه را با محک دیدگاه‌های صاحبان فکر و اندیشه‌سنجش و ارزیابی نمایند. تا زمانی که خطمشی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها متکی بر ارزشیابی و ارزیابی نظام‌یافته نباشد و برنامه‌ها با دور تند بازنگری نشده و کیفیت برنامه‌ریزی‌ها کنترل نشود نه فقط موجب پیشرفت نمی‌گردد بلکه در برابر خیلی از واقعیت‌های موجود در جامعه و حتی نوآوری‌های علمی و فنی و باورهای نوین مقاومت می‌کند.

۱- با توجه به نقش مؤثر آموزش و پرورش در تربیت شهروند فعال، باید گفت که عدم معیارهای صحیح در انتخاب افراد فرهنگی و وجود روش‌های فرسوده نقش به‌سزایی در به وجود آوردن شرایط نامطلوب در ساختار آموزش و پرورش ایفا کرده و می‌کند. در جایی که باید فرهیخته‌ترین افراد به کار گرفته شوند، برعکس عمل می‌شود. چرا که صرف داشتن یک مدرک فرد را قادر نمی‌سازد که بتواند معلم باشد. لذا همانطوری که برخی کشورهای پیشرفته از جمله آمریکا برای مقاطع آموزشی خود، افرادی با مدرک دکترا استخدام می‌کنند، انجام اصلاحات اساسی در آموزش و پرورش ایران نیز نیاز به پیوند اساسی دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش دارد؛ در غیر این صورت نمی‌توان امید داشت که توسعه در جامعه ما معنای واقعی خود را پیدا کند.

۲- تمام فعالیت‌ها در بن بست‌های نوین به نام روش معلم، گرفتار می‌شود، تا معلمان نیاز به تغییر روش را حس نکرده و به روش‌های نوین یاددهی-یادگیری بی‌توجه باشند فعالیت‌ها خنثی شده و عقیم خواهد ماند. پس بایستی ابتدا با تأکید بر تغییر نقش معلم از دانای کل به راهنمایی که خود احتیاج به آموزش دارد و سپس آموزش روش‌های نوین تدریس، درگیر نمودن معلمان در محیط‌های واقعی و نظارت بر فعالیت‌ها در کلیه دوره‌های تحصیلی، اقدام نمود.

۳- با توجه به مطالب فوق، رسیدگی به وضع معیشتی معلمان و ایجاد جاذبه‌های شغلی برای این حرفه، محوری‌ترین نکته‌ای است که می‌تواند نارسایی‌های جانبی را بازسازی کند. زیرا که دیوارهای بنای عظیم آموزش که با مصالحی همچون برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه‌ریزی درسی، خلق روش‌های نو در تدریس، فراهم‌سازی امکانات و تجهیزات و فضا سازی لازم و... ساخته می‌شوند هرچند اصولی، دقیق و حساب‌شده باشند اما در برابر وضعیت نامناسب زندگی اجتماعی معلمان مقاوم نخواهد بود.

۴- تربیت نقش عمده‌ای در اصلاحات بازی می‌کند. تربیت با مبنای عمل و رعایت حقوق دیگران از حدود سه سالگی آغاز می‌شود. بر همین اساس تربیت فرد مقدم بر تربیت جمع است. بنابراین آموزش و پرورش باید با برنامه‌ریزی دقیق و منسجم به تربیت صحیح افراد در راستای دستیابی به معیارهایی چون اخلاقیات، دانش و معرفت، درک، بینش و مهارت‌ها گام بردارد. چرا که معیارهای آموزش جهانی نیز چنین می‌باشد. بنابر این با توجه به این معیارها آموزش و پرورش وظیفه دارد دانش‌آموزان را برای شهروندی جامعه جهانی آماده کند. تنها درک و فراگیری تاریخ، فرهنگ و زبان و ادبیات گلستانی کشور بومی کافی نیست، بلکه مطالعه و بررسی تاریخ، فرهنگ و زبان جهان و کسب اطلاع از بازارهای جهانی، دانش‌آموزان را در مسیر شهروندگرایی جهانی سوق می‌دهد.

۵- تقویت باورهای دینی، فرهنگی و اجتماعی باعث می‌شود که فرد از خود تعریف مشخصی داشته باشد. بنابراین آموزش و پرورش باید هویت دینی و ملی انسان‌های جامعه ایران را ارتقا بخشد، آن‌هم به شکلی که آنها به مسلمان بودن و ایرانی بودن خود افتخار کنند.

۶- دستگاه ها و سیستم های مختلف آموزشی و فرهنگی اعم از دولتی، نمونه مردمی و غیرانتفاعی هر کدام راه خود را می روند و فاقد یک برنامه ریزی کلان و منسجم هستند. لذا اولین ضرورت در آموزش و پرورش، نظم بخشیدن به این نوع رفتارهاست که به نظر می رسد ایجاد هسته هایی که بتواند تحول در نظام آموزشی را با توجه به تجارب کشورهای موفق مورد ارزشیابی قرار دهد، مورد نیاز است.

۷- آموزش و پرورش باید امری تأثیرگذار، فراگیر و تعهدی مادام العمر تلقی شود. یادگیری در دنیایی که فناوری به سرعت در حال تغییر است ایجاب می کند که آموزش بیش از توجه به موضوع یک رشته علمی، استعدادها و ظرفیت های گوناگون یادگیری را در دانش آموزان تقویت کند.

۸- آموزش و پرورش باید با مراحل رشد دانش آموزان، یعنی درست به هنگام و در زمان لازم شکل گیرد. دسترسی به آن در همه جا، خواه در خانه، خواه از طریق اینترنت و یا رسانه های جمعی و کلاس های درس آسان باشد. نهادهای آموزشی سازمان های حرفه ای و رسانه های گروهی تمهیدات و تسهیلات آموزش مداوم را فراهم کنند.

۹- آموزش و پرورش باید به تفکر انتقادی، ارتباطات اثربخش و روش حل مسئله توجه کرده، تنها به انتقال دانش و حقایق اکتفا نکند. از فرصت ها و شرایط جدید برای یادگیری های به هنگام دانش آموزان بهره گرفته، راه حل های برقراری ارتباط و تبادل ایده ها را به طور مؤثر در دانش آموزان با توجه به تفاوت های فردی ارائه دهد.

۱۰- آموزش و پرورش بستر ساز فرهنگ همکاری های گروهی در مدرسه و تشریک مساعی با نهادهای بازرگانی و صنعتی و نهادهای آموزشی دیگر است. دانشگاه نیز که خود از نهادهای آموزش عالی محسوب می شود در قرن بیست و یکم باید پاسخگوی نیازهای متغیر جامعه باشد.

۱۱- با توجه به اهمیتی که در برنامه ملی توسعه کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات (تکفا) در سال ۱۳۸۱ برای توسعه منابع انسانی، تجهیز مدارس به رایانه و شبکه ای شدن آنها، آموزش معلمان با مبحث ICT و... در نظر گرفته شده بود و نیز اهمیت دادن این طرح از سوی آموزش و پرورش تاکنون (با توجه به گزارش عملکرد)، لذا توسعه هر چه بیشتر و سریع تر زیرساخت ارتباطی از اولویت های مهم است. از اینرو با توجه به چشم اندازهای آینده آموزش و پرورش در پنجساله چهارم توسعه، به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس و تحول در فرایند آموزش و تحصیل را می توان به عنوان مهم ترین حلقه و پایه توسعه ملی در نظر گرفت. لذا در این خصوص نکاتی ضروری پیشنهاد می گردد:

برای ایجاد فرهنگ مناسب در استفاده از فناوری های مربوطه، به ویژه فناوری های اطلاعات، باید آموزش داد؛

آموزش باید از زمان کودکی، به ویژه در دوره های کودکی و ابتدایی در برنامه آموزشی گنجانده شود؛

استفاده های گوناگون از فناوری باید در برنامه های آموزشی مدارس لحاظ شود؛

کتاب های درسی نه تنها باید به توزیع دانش نظری بپردازد، بلکه همراه با آن به معرفی فناوری های تولید شده از دانش هم اقدام کند؛

دانش آموزان باید برای جمع آوری اطلاعات به رسانه های گوناگون مراجعه کنند و این کار به وسیله معلم کلاس تشویق شود؛ کار با رایانه در برنامه درسی مدارس پیش بینی و تمهیدات لازم برای این هدف در نظر گرفته شود؛

آموزگاران آموزش های لازم برای کار با فناوری را ببینند و ترس و واهمه ای از کاربرد فناوری نداشته باشند؛

در تمام دوره های تحصیلی، کار با رایانه منظور شود، به ویژه برای انجام دادن امور پژوهشی (دبیرستان و دانشگاه)؛

نشانی سایت های رایانه ای مربوط به دروس گوناگون به دانش آموزان معرفی شود؛

در استفاده از فناوری های نوین در آموزش و پرورش به همکاری همه جانبه از سوی سازمان ها و وزارتخانه هایی چون علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت پست و تلگراف و مخابرات، و حتی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نیاز است.

## منابع

۱. اسکندری، حسین ۱۳۹۳ بررسی اقتدار و مرجعیت مربیان پرورشی به عنوان متولیان تربیت دینی، نهمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه کرمان، ۶۷۱-۶۶۸.
۲. باقری، خسرو. (۱۳۸۶)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، (ج ۱) انتشارات مدرسه. نشر اثر اصلی (۱۳۸۴)
۳. بلیک مور، ساراجین، فریث، یوتا، مگر یادگیرنده: درس هایی برای آموزش و پرورش. ترجمه سید کمال خرزای. ۱۳۹۴ تهران: سمت
۴. بیگم حائری زاده، خیریه - محمد حسین، لیلی (۱۳۸۱). «تفکر خلاق و حل خلاقانه مسئله»، تهران، نشر نی
۵. تیموئی، دی گرین، ابی براون، مترجم: دکتر محمد عطاران، پروژه های چند رسانه ای در کلاس درس انتشارات مؤسسه توسعه فناوری اطلاعات آموزشی مدارس هوشمند، ۱۹۹۹
۶. جمیله علم الهدی. (۱۳۸۴)، مبانی تربیت اسلامی و برنامه ریزی درسی بر اساس فلسفه صدرا (ج ۱) انتشارات دانشگاه امام صادق.
۷. خامنه ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران، ۱۳۹۶/۳/۳۱.
۸. خامنه ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷.
۹. خامنه ای، سیدعلی، بیانات در مراسم بیستمین سالگرد ارتحال امام خمینی؛، ۱۳۸۸/۳/۱۴.
۱۰. دوبونو، ادوارد (۱۳۷۶)؛ « تفکر نوین استفاده از تفکر افقی در تراوش اندیشه های نو»؛ ترجمه ضیاء الدین رضا خوانی، تهران، انتشارات کویر
۱۱. دوبونو، ادوارد (۱۳۸۰)؛ «تفکر جانبی، فن آموزی جدید در مدیریت ذهنی»؛ ترجمه عباس بشارتیان، تهران، شرکت چاپ قدس
۱۲. ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۱) آموزش شهروندی. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۱۹، سال چهارم، ص ۵۵-۹۴.
۱۳. رؤوف، علی، ۱۳۸۹، جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم، وزارت آموزش و پرورش، دانشکده تعلیم و تربیت.
۱۴. ساجدی، امیر (۱۳۹۵) حقوق بشر و حقوق شهروندی از نگاه دولتهای اسامی خاورمیانه با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اساسی ایران» فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۳۶، صص ۴۱-۵۹.
۱۵. سجادی، سید مهدی (۱۳۸۴) چالشهای تربیت مدنی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران «مطالعات تربیتی و روانشناسی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۴۳-۱۶۰.

۱۶. سلسبیلی، نادر و همکاران. (۱۳۷۵) پیشنویس سند و منشور اصلاح نظام آموزش و پرورش ایران. تک نگاشت، شماره ۵۱. تهران. انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۱۷. سلیمانی فرد، اکبر (۱۳۸۰). مروری بر وضعیت فن‌آوری اطلاعات در کشورهای مختلف. تهران، مؤسسه‌ی آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع، مجتمع دانشگاهی صنایع، گروه مدیریت تکنولوژی.
۱۸. سند تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش (سند مشهد مقدس)، وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش، آذرماه ۱۳۹۰.
۱۹. سورین ورنر جوزف تانکارد، جیمز دلبیو (۱۳۸۱). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه علیرضا دهقان. تهران، مؤسسه‌ی چاپ و نشر دانشگاه تهران.
۲۰. سینک، راجاروی: ۱۳۷۶ آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم، ۱۹۹۱، ترجمه بهرام محسن پور، تک نگاشت شماره ۹، پژوهشکده تعلیم و تربیت
۲۱. شوارتز، جان (۱۳۸۵)؛ «جادوی فکر بزرگ»؛ ترجمه ژنا بخت آور، تهران، انتشارات مروارید
۲۲. عسگری متین، سجاد، کیانی، غلامرضا ۱۳۹۷، الگوی معیار صالحیت حرفه‌ای معلم‌تراز جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳۰، ۱۳۴-۱۰.
۲۳. محمدی، غالمعلی؛ جباری، نگین؛ نیاز آذری، کیومرث ۱۳۹۸ توانمندسازی حرفه‌ای معلمان در چشم انداز آینده و ارائه مدل، نوآوری‌های آموزشی، شماره ۶۹، سال هیجدهم، ۳۱-۷
۲۴. مرزوقی، رحمت‌الله، ۱۳۷۹، «بررسی رابطه حکومت و تربیت از دیدگاه امام علی ع»، نشریه پژوهش‌های تربیت اسلامی، ش ۴،
۲۵. مهرعلیزاده، یدالله: ۱۳۹۶ جهانی سازی و نظام‌های آموزشی با تأکید بر کشور ایران، انتشارات رسش، زمستان.
۲۶. وست، دب؛ و آجودان، ماندانا. (۱۳۸۴)، معرفی مدل آموزش مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی. رشد آموزش تربیت بدنی، (۱۶)